



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.92899.1350>



پژوهشی

چالش آب در فرایند تشکیل کشور مستقل فلسطینی

سهراب عسگری (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

s.asgari@pnu.ac.ir

چکیده

زوال امپراتوری عثمانی مقدمه قیومیت بریتانیا بر فلسطین شد. با شروع قیومیت، فرصتی برای یهودیان فراهم گردید تا برای ایجاد کشور یهود اقدام کنند. یهودیان از سراسر دنیا به دعوت جنبش صهیون به منطقه فلسطین مهاجرت کردند. تنش‌های زیادی بین اعراب و یهودیان بروز کرد. در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل پیشنهاد تقسیم فلسطین به دو بخش یهودی و عربی را داد که اعراب طرح را رد کردند. از زمان تشکیل اسرائیل تا به امروز تلاش فلسطینیان برای تشکیل کشور مستقل به نتیجه نرسیده و امروزه آن‌ها برای رسیدن به این مقصود با مشکلات به‌مراتب بزرگ‌تری روبرو هستند. این مقاله که به شیوه کتابخانه‌ای نگارش شده از نوع تحلیلی است و تلاش می‌کند پس از بررسی ملزومات نخستین برای تشکیل یک کشور، موانع مهم پیشرو در روند تشکیل کشور مستقل فلسطینی را تبیین نماید. یافته‌های پژوهش تأکید دارند که باوجود تلاش‌های فراوان مردم فلسطین و وجود برخی حمایت‌های بین‌المللی از آن‌ها، به دلیل مشکل دوطرفه‌گی سرزمینی و عدم کنترل کامل فلسطینیان بر قلمرو و منابع طبیعی به‌ویژه منابع آب‌های سطحی و زیرسطحی، چالش استقلال همچنان جدی است. کمبود آب و عدم کنترل آن توسط فلسطینیان یک مشکل مهم فراروی تأسیس کشور مستقل فلسطینی است. خارج از کنترل بودن منابع آب، کم‌آبی را به یک بحران جدی تبدیل می‌کند که می‌تواند تلاش‌ها برای پیدایش کشور مستقل فلسطین را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بحران آب یک مشکل اساسی برای منطقه فلسطین است. در گام نخست باید مدیریت منابع به فلسطینیان سپرده شود.

واژگان کلیدی: بحران فلسطین، چالش منابع آب، کشور مستقل فلسطینی

۱- مقدمه

مسئله تشکیل فلسطین یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌مدت‌ترین منازعات بین‌المللی معاصر است که از نیمه دوم قرن بیستم شروع شده و تاکنون ادامه یافته است. ریشه‌های این مناقشه عمیق و تاریخی بوده و به تقسیمات

استعماری، مهاجرت‌های جمعی و تضادهای ایدئولوژیک بازمی‌گردد. با زوال امپراتوری عثمانی، منطقه فلسطین تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. از اواخر قرن نوزدهم، یهودیان با هدف ایجاد یک پناهگاه ملی برای خود از سراسر جهان به فلسطین مهاجرت کردند. این مهاجرت‌ها با مخالفت عرب‌های فلسطینی روبرو شد. با بالا گرفتن تنش‌ها، نخستین بار قطعنامه شماره ۱۸۱ به تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی بر ایجاد دو دولت مستقل عربی و یهودی در سرزمین فلسطین و یک نظام بین‌المللی ویژه برای اورشلیم (بیت‌المقدس) تأکید کرد (Tabatabaie & Mohebi Anjedani, 2014). این طرح از سوی یهودیان پذیرفته شد اما از سوی اعراب رد شد. پس از رد طرح تقسیم، جنگ‌های متعددی بین اعراب و اسرائیل درگرفت که منجر به اشغال بخش‌های وسیعی از فلسطین توسط اسرائیل شد.

فلسطین در منطقه گرم، خشک و کم آب واقع است. کمبود آب یک مسئله حیاتی در کرانه باختری و باریکه غزه است که بر بهره‌وری کشاورزی و زندگی روزمره ساکنان آن تأثیر می‌گذارد. این دو منطقه به دلیل ترکیبی از عوامل طبیعی، سیاسی و زیرساختی به شدت در معرض کمبود آب قرار دارند. تغییرات اقلیمی باعث افزایش دمای منطقه فلسطین در طی ۵۰ سال گذشته و همچنین باعث تغییراتی در بارش و فصول شده است. نصف چاه‌های آب فلسطینیان در طی ۲۰ سال گذشته خشک شده است (Human Rights Council, 2021). پیدایش این وضعیت در حالی است که رژیم اسرائیل از ۱۹۶۷ کنترل بر منابع آبی فلسطین را اعمال کرده است. در سال ۱۹۵۵، دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر اسرائیل، اهمیت آب را این‌گونه بیان کرد: امروزه یهودیان در حال نبرد برای آب هستند و نتیجه این نبرد سرنوشت ما را تعیین می‌کند و اگر در این نبرد شکست بخوریم، از بین خواهیم رفت. پس از جنگ سال ۱۹۶۷، اسرائیل کرانه باختری و نوار غزه را اشغال کرد و اقدامات متعددی را برای کنترل منابع آبی در سرزمین‌های فلسطینی که تا آن زمان به آن‌ها دسترسی نداشت، اعمال کرد (Wawi, 2023). از آن زمان، اسرائیل منابع آبی این مناطق را به دقت زیر کنترل گرفته و فلسطینیان را از بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی، به‌ویژه آبخوان کوهستانی، بازمی‌دارد. اسرائیل حدود ۸۰ درصد از منابع آبی مشترک کرانه باختری را استفاده کرده است و ۲۰ درصد را برای فلسطینیان باقی گذاشته است (El-Fadel Et Al, 2001). پس از توافق اسلو در سال ۱۹۹۵ و تقسیم کرانه غربی به نواحی سه‌گانه، منابع آبی تحت کنترل بیشتر رژیم اسرائیل قرار گرفت، اگرچه دولت خودگردان مسئول تأمین آب و دفع فاضلاب منطقه تحت کنترل خود شد. کنترل نداشتن فلسطینیان بر منابع آب خود یکی از مشکلات بزرگ کنونی و آینده است. بنابراین منازعه فلسطین و اسرائیل علاوه بر مسائل سیاسی، نظامی و اجتماعی، به‌طور گسترده تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و محیط‌زیستی، به‌ویژه مسئله آب قرار دارد. منابع آبی محدود، نقش بسزایی در پیچیده‌تر کردن این بحران داشته‌اند. کمبود آب در این منطقه استراتژیک و نقش آن در امنیت ملی و توسعه اقتصادی هر دو طرف، یکی از عوامل کلیدی در تداوم این منازعه خواهد بود.

منابع آبی اصلی در منطقه شامل رودخانه اردن، دریاچه طبریه، و سفره‌های آب زیرزمینی است که همگی به‌عنوان منابع مشترک بین اسرائیل و فلسطین قرار دارند. کنترل اسرائیل بر بیشتر این منابع از زمان جنگ ۱۹۶۷ تاکنون، موجب افزایش تنش‌ها میان دو طرف شده است. به‌رغم امضای توافقنامه‌های مختلف از جمله توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳ که برخی از جنبه‌های منابع آب را تنظیم کرد، اما این توافق‌ها در زمینه اجرای عدالت آبی برای فلسطینیان ناکام بوده است. بر اساس این توافق، اسرائیل حق دسترسی بیشتری به منابع آبی دارد و فلسطینیان تنها حق استفاده محدودی از منابع را دارند که عملاً نیازهای آن‌ها را تأمین نمی‌کند.

اسرائیل با استفاده از فناوری‌های پیشرفته در حوزه مدیریت آب، مانند نمک‌زدایی آب دریا و بازچرخانی فاضلاب، توانسته نیازهای آبی خود را تا حد زیادی برطرف کند. این در حالی است که فلسطینیان به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی نتوانسته‌اند به چنین فناوری‌هایی دسترسی پیدا کنند و همچنان از کمبود آب رنج می‌برند.

دسترسی محدود به آب، توسعه اقتصادی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده و این مسئله به معضلاتی نظیر بیکاری، فقر و نبود زیرساخت‌های لازم برای کشاورزی و صنعت منجر شده است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، کمبود آب برای کشاورزان فلسطینی است که به آن‌ها اجازه نمی‌دهد ظرفیت تولیدی خود را افزایش دهند (Brooks & Trotter, 2010). اسرائیل با ایجاد محدودیت‌های سخت برای فلسطینیان، امکان استفاده بهینه از منابع آبی را کاهش داده است، به‌گونه‌ای که به‌شدت به واردات آب از اسرائیل وابسته شده‌اند. ازاین‌رو آب یکی از چالش‌های اساسی در شکل‌گیری دولت فلسطینی است. با توجه به افزایش جمعیت و تغییرات اقلیمی که منابع آبی را محدودتر می‌کند، مسئله آب در آینده نیز به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین جنبه‌های منازعه فلسطین و اسرائیل باقی خواهد ماند. ژئوپلیتیک آب به‌تدریج بین دو طرف نمایان خواهد شد چرا که تأمین آب لازم برای شرب و کشاورزی یکی از مشکلات فلسطینیان در تشکیل کشور مستقل خواهد بود (Asgari, 2011: 76).

علاوه بر مشکل آب، تشکیل کشور مستقل فلسطینی با مشکل دواپاره‌گی سرزمینی مواجه است. این مشکل مدیریت فضا و سازماندهی سیاسی آن را دچار فراز و فرود خواهد کرد. بین کرانه غربی و باریکه غزه قلمرو رژیم اسرائیل قرار دارد. ضمن اینکه براساس قرارداد اسلو، کرانه غربی به سه منطقه A, B, C تقسیم شده که مدیریت آن بین دولت تشکیلات خودگردان و رژیم اسرائیل مشترک است (Oslo II Agreement, 1995). از طرفی در پی انتخابات سال ۲۰۰۶ حماس بر باریکه غزه حاکم شده و از تشکیلات خودگردان تبعیت نمی‌کند. تاکنون تلاش برای آشتی سیاسی فتح و حماس بی‌نتیجه بوده است.

این پژوهش تلاش می‌کند ضمن اشاره به وضعیت سرزمین‌ها، مردم و تشکیلات خودگردان فلسطین، به چالش مهم کمبود آب که پیش روی فلسطینیان در مسیر تشکیل کشور مستقل است، بپردازد. کمبود آب در خاورمیانه

و شمال آفریقا یک مشکل بنیادین است که می‌تواند شیرازه کشورها را از هم بپاشد. منطقه فلسطین در این میان وضعیت ویژه دارد. این منطقه هم از کمبود بارش و کمبود منابع زیرزمینی آب رنج می‌برد و همچنین در خصوص مدیریت و کنترل این منابع مشکلات بزرگی دارد. کمبود آب از یک سو و محدودیت کنترل و دسترسی به آن از سوی دیگر تبعات نامطلوب آن را دوچندان می‌کند.

۲- روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیلی است و با رویکردی بررسی اسنادی و با راهبرد مطالعات جغرافیایی-تاریخی به سرانجام رسیده است. منابع داخلی و خارجی در نگارش این مقاله مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند. از آنجایی که موضوع فلسطین یک موضوع جغرافیایی - تاریخی است ضرورت داشت منابع مرتبط (داخلی و خارجی) تا حد نیاز و امکان مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات مورد نیاز استخراج شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند. مسئله فلسطین با توجه به پیچیدگی‌هایش ابعاد گوناگونی دارد که در این پژوهش از بعد ضرورت‌های نخستین و اصلی تشکیل کشور از منظر جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- مفاهیم نظری

۳-۱- بحران فلسطین

درواقع بحران فلسطین نه از زمان پیدایش اسرائیل که با افول قدرت عثمانی شروع شد. امپراتوری بیمار اروپا به دلیل ضعف‌های فراوان دوره سقوط خود را شروع کرده بود. در این زمان سرزمین‌های اقماری آن برای جدا شدن و استقلال تلاش می‌کردند. به‌ویژه سرزمین‌هایی که قلمروهای حاشیه‌ای این قدرت روبه‌زوال را تشکیل می‌دادند، گام‌های بزرگ‌تری برای جدایی برداشتند. در چنین شرایطی دشمنان عثمانی فرصت را فراهم دیدند و دخالت‌های خود را شروع کردند. در این کارزار سیاسی- نظامی، بریتانیا بیش از هر کشور دیگری برای تجزیه و مرگ عثمانی تلاش کرد. سلطه واقعی انگلستان بر فلسطین از سال ۱۹۱۸ با ورود نیروهای انگلیس به آن آغاز شد (Ahmadi, 1990: 201). با افزایش جمعیت یهودی، اعراب به تدریج حساسیت نشان داده و تنش‌هایی بین آن‌ها بروز کرد. در فاصله سال‌های ۱۹۳۱-۳۵ به دلیل روی کار آمدن نازی‌ها در آلمان، موج جدید مهاجرت از اروپا به سوی فلسطین آغاز گشت. جمعیت یهودی از ۱۰ درصد در سال ۱۹۱۹ به ۱۷ درصد در سال ۱۹۲۷ و نزدیک به ۳۰ درصد در سال ۱۹۳۹ رسید (UN, 1980). با افزایش مهاجران یهودی و حمایت ضمنی دولت بریتانیا از آن‌ها، جنبش صهیون شروع به گسترش قلمرو خود در فلسطین کرد. افزایش جمعیت یهودیان مخالفت اعراب را در پی داشت. در اکتبر ۱۹۳۳ اعراب مسیحی و مسلمان به دستور کمیته اجرایی عرب در قدس به تظاهرات پرداختند. پلیس تظاهرکنندگان را سرکوب کرد اما دامنه درگیری‌ها به یافا و دیگر

شهرهای عرب سرایت کرد. در جریان یورش نیروهای پلیس انگلستان به اعراب ۲۵ عرب کشته شدند. فلسطینی‌ها با توجه به این حوادث بریتانیا را عامل اصلی تقویت صهیونیسم دانستند (Ahmadi, 1990: 212). طرح سازمان ملل متحد برای تقسیم فلسطین به دو بخش مستقل یهودی و عرب شکست خورد چرا که نتوانست نظر دو طرف را جلب کند. این طرح از سوی یهودیان پذیرفته شد اما از سوی اعراب رد شد. پس از رد طرح تقسیم و تأسیس رژیم اسرائیل، جنگ‌های متعددی بین اعراب و اسرائیل در گرفت که منجر به اشغال بخش‌های وسیعی از فلسطین توسط اسرائیل شد. کشورهای مصر، اردن، سوریه و لبنان به ترتیب در ژانویه، آوریل و مارس ۱۹۴۹ به‌طور جداگانه توافق‌های آتش‌بس با اسرائیل را امضاء کردند. با ابراز تمایل برخی کشورهای عربی برای سازش، گروه‌های فلسطینی به جنگ چریکی روی آوردند. فتح از سال ۱۹۵۹ پیکار نظامی به شکل چریکی را آغاز کرد. در سال ۱۹۶۴ کنفدراسیون گروه‌های فلسطینی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) را پدید آوردند.

با امضاء توافق اسلو، ساف از اقدام نظامی عقب کشید و راه مذاکره را پیش گرفت. تشکیلات خودگردان به رهبری یاسر عرفات تشکیل شد و ساختار سیاسی آن شکل گرفت. تشکیلات خودگردان در کرانه باختری مستقر شد ولی تلاش کرد بر باریکه غزه هم کنترل داشته باشد. در انتخابات سال ۲۰۰۶ حرکت مقاومت اسلامی (حماس) در باریکه غزه پیروز شد و تشکیلات خودگردان را از آن منطقه بیرون کرد. پس از آن روابط حماس و تشکیلات خودگردان به سردی گرایید و تلاش‌ها برای نزدیکی آن‌ها ثمر چندانی نداشت. حمله اکتبر ۲۰۲۴ دوباره فلسطین را در مسیر بحران قرارداد و در پی آن حملات اسرائیل بخش عمده باریکه غزه را به ویرانه تبدیل کرد.

۳-۲- عناصر سازنده کشور (سرزمین، ملت و حکومت)

تاریخ و جغرافیای کشورها اگرچه متفاوت است اما ساختار سیاسی آن شبیه به هم است. به بیان دیگر برای پیدایش کشورها وجود عناصر مشخصی ضروری است که بدون وجود آن‌ها امکان پیدایی واحد سیاسی فراهم نیست. اراده ملت‌ها در پیدایش کشورها بر روی چنین ستون‌هایی استوار و پایدار است. بنیان‌هایی که چون پایه‌های بسیار قوی توان تحمل اراده ملت برای پیدایش حکومت و مدیریت سرزمین را دارند. بدون وجود آن‌ها فصلی برای هیچ کشوری در کتاب بزرگ جهانی گشوده نمی‌شود.

در دنیا ۱۹۵ کشور وجود دارد که ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل هستند. همه کشورهای دنیا بدون استثناء سه جزء مشخص دارند: سرزمین، مردم و حکومت. به بیان بهتر برای تشکیل کشور سه عنصر سرزمین، مردم و حکومت باید کنار هم قرار بگیرند (Mojtahedzadeh & Asgari, 2016: 8, Asgari et al(2015: 38, Vaicy, 2016: 16). همه کشورهای دنیا با وجود این سه‌گانه پدید آمده‌اند. از این رو سرزمین‌های خالی از

سکنه (شهروندان) و یا مردمان بدون حکومت و یا اقوام بدون سرزمین هیچ‌گاه به مرتبه کشور یا واحد سیاسی نمی‌رسند.

سرزمین در جغرافیای سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است و به یک پهنه جغرافیایی که توسط مرزهای سیاسی مشخص محدود شده و تحت نظارت انحصاری و مشروع یک حکومت قرار دارد، اطلاق می‌شود (Ahmadypoor et al, 2011: 117). سرزمین کانون انباشتگی عناصر جغرافیایی از جزء تا کل است (Asgari et al, 2015: 43). اهمیت بسیار مهم سرزمین در فرایند کشورسازی روشن می‌شود. سرزمین را می‌توان چهره افقی یا فیزیکی کشور تعریف کرد (Mojtahedzadeh, 2023: 38).

مردم یا ملت یکی از پایه‌های بنیادین پیدایش واحد سیاسی است. مردم همه افراد یک کشور را شامل می‌شوند که هویت آن کشور را دارا هستند. اساساً بدون وجود مردم کشور پدید نمی‌آید. از طرفی ملت یک پدیده سیاسی است که در رابطه با سرزمین واقعیت پیدا می‌کند (Mojtahedzadeh, 2023: 63). ملت یا مردم مفهوم فراتر از قوم و قبیله است. قرار گرفتن در درون یک قلمرو که مرزهایش با دیگر مردمان و ملت‌ها حراست و پایش می‌شود مفهوم واقعی مردم را آشکار می‌کند. مرزها محدوده گستره سرزمینی مردمان را تعیین می‌کنند. آنگاه که نیت ملت ساکن در یک سرزمین برای تشکیل کشور هویدا شود در نخستین گام برای ایجاد حکومت تلاش خواهند کرد. چرا که حکومت عامل مهمی در قوام کشور است و تنظیم‌کننده روابط عناصر پدیدآورنده کشور است. همچنین حکومت با تنظیم درست روابط بین قوای سه‌گانه کارآمدی ساختار نظام سیاسی را تضمین می‌کند (Asgari et al, 2015: 45). حکومت بعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلاتی قانونی است که بر مبنای رضایت عموم مردم در یک گروه انسانی مشخص پای می‌گیرد (Mojtahedzadeh & Asgari, 2016: 9). حکومت به‌عنوان یکی از سه عنصر اساسی سازنده کشور برای اثربخش بودن و نشان دادن کارآمدی خود باید اعمال حاکمیت کند. اعمال حاکمیت در اصل عمل بر مبنای خواست بر حق شهروندان است. به بیان دیگر حکومت برای برآورده کردن خواسته‌های مردم، با بکار بردن اهرم‌های لازم وظیفه خود را انجام می‌دهد. حاکمیت چهره قانونی اعمال اراده حکومت است بر سرزمین (قلمرو) و مردمان (ملت) (Mojtahedzadeh, 2023: 120). اعمال حاکمیت شامل همه اموری می‌شود که مربوط به کشور و اداره آن است. تمام مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی، امنیتی و... در این مجموعه قرار می‌گیرد. عرصه اعمال حاکمیت در درون مرزهاست کما اینکه برآورده کردن بخشی از آن‌ها به گسترش روابط بین‌المللی مربوط می‌شود و فرامرزی است. موضوعاتی مانند امنیت و جلوگیری از تجاوز بیگانگان و یا فروش مازاد تولیدات داخلی و تأمین کسری محصولات مورد نیاز از جمله این موارد هستند. به همین خاطر دوام حاکمیت در تأمین منافع ملی برای دوام و بقای خود به آن‌سوی مرزها توجه می‌کند و به نقش‌آفرینی می‌پردازد. از این رو می‌توان گفت که

حاکمیت دو بعد دارد: در عرصه داخلی یعنی قانون‌گذاری و صلاحیت اداره کشور و در بعد خارجی به معنای استقلال از بیگانه است (Ahmadypoor et al, 2011: 121). وجود و تعامل هر سه عنصر پیش‌گفته در پیدایش کشور واجد اهمیت ویژه است. بدون وجود هر یک و یا مشارکت ناقص در این پیمان نانوشته بنیان کشور گرفتار مشکل اساسی می‌شود.

۳-۳-دوپاره‌گی سرزمینی

دوپاره‌گی سرزمینی یک کشور به وضعیتی اطلاق می‌شود که قلمرو کشوری دیگر و یا آب‌های بین‌المللی در میان سرزمین اصلی و بخش جدا افتاده آن کشور قرار بگیرد. این پدیده در تاریخ و جغرافیای سیاسی کشورها نقش مهمی ایفا و در مواردی چالش‌های جدی برای یکپارچگی ملی و حاکمیت ایجاد کرده است. از منظر جغرافیای سیاسی، این دوپاره‌گی می‌تواند ناشی از عوامل تاریخی، جنگ‌ها، یا توافقات بین‌المللی باشد که منجر به جدا شدن بخش‌هایی از کشور و به وجود آمدن نواحی غیرهمجوار می‌شود (Fall, 2009: 45). دوپاره‌گی یا چند پاره‌گی سرزمینی دو شکل درونگان و برونگان دارد. در هر دو صورت بخشی از یک کشور از سرزمین اصلی دورافتاده و از طریق خشکی به آن وصل نیست و بین سرزمین اصلی و قسمت جدا افتاده، آب‌های بین‌المللی یا کشور دیگری وجود دارد. یکی از نمونه‌های برجسته پاره‌گی سرزمینی کشور روسیه است که کالینینگراد به‌عنوان یک ناحیه غیرهمجوار در ساحل دریای بالتیک به این کشور تعلق دارد. کالینینگراد پس از جنگ جهانی دوم و تغییر مرزهای بین‌المللی به روسیه تعلق گرفت اما از بخش اصلی خاک روسیه جداست و میان کشورهای لهستان و لیتوانی محصور شده است (Sakwa, 2011: 111). این پاره‌گی سرزمینی باعث شده که روسیه از لحاظ استراتژیک نیاز به دسترسی به این منطقه و تقویت زیرساخت‌های نظامی خود داشته باشد. در مواردی دوپاره‌گی سرزمینی ممکن است تحت تأثیر عواملی قرار بگیرد و اثرگذاری آن باعث جدایی گردد. این نمونه سرزمینی در مورد پاکستان و بنگلادش رخ داد. پس از استقلال پاکستان از هند در سال ۱۹۴۷، این کشور از دو بخش مجزا، یعنی پاکستان غربی (پاکستان کنونی) و پاکستان شرقی (بنگلادش امروزی) تشکیل می‌شد. این دو منطقه حدود ۱۶۰۰ کیلومتر از هم فاصله داشتند و میانشان کشور هند قرار داشت. در نهایت، تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و اقتصادی باعث جدایی پاکستان شرقی و شکل‌گیری کشور بنگلادش در سال ۱۹۷۱ شد (Jahan, 1972: 38).

دوپاره‌گی سرزمینی در صورت عدم مدیریت درست فضا ممکن است به نتایج نامطلوب منجر گردد. پاره‌گی سرزمینی می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر سیاست داخلی، امنیت ملی و اقتصاد یک کشور بگذارد. ایجاد وحدت ملی در چنین شرایطی به‌سختی صورت می‌گیرد و انتخاب پایتخت منشأ اختلاف می‌گردد و نظارت دولت بر این واحدهای پراکنده با مشکل روبرو می‌شود (Mir-Heydar, 2002: 105). کشورهایی که با چنین وضعیتی

مواجه هستند، معمولاً چالش‌های بیشتری در زمینه حمل و نقل، تجارت و حفظ تمامیت ارضی خوددارند، زیرا این نواحی جدا افتاده ممکن است به‌مرورزمان به دلیل دوری جغرافیایی از مرکز، دچار بی‌توجهی یا حتی گرایش‌های جدایی‌طلبانه شوند (Taylor, 2004:87).

۳-۴- منابع طبیعی با تأکید آب

منابع طبیعی، به‌ویژه آب، یکی از حیاتی‌ترین عوامل برای دوام و بقای کشورها به شمار می‌رود. آب به‌عنوان یک منبع استراتژیک نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی کشورها دارد. دسترسی به آب شیرین برای فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و مصارف خانگی ضروری است و کمبود یا کاهش منابع آبی می‌تواند تأثیرات منفی بسیاری بر امنیت غذایی، سلامت عمومی و ثبات اقتصادی کشورها داشته باشد (Gleick, 1993:37). به دلیل این نقش حیاتی، مدیریت منابع آبی به یک اولویت استراتژیک در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شده و امنیت کشورها به امنیت منابع آب پیوند خورده است (Asgari, 2024).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اهمیت آب در پایداری یک کشور، تأمین امنیت غذایی است. کشاورزی به‌شدت وابسته به منابع آبی است و بسیاری از کشورها بدون دسترسی به منابع کافی آب با چالش‌هایی در تولید مواد غذایی مواجه می‌شوند. از این‌رو، در مناطق خشک و نیمه‌خشک که منابع آب محدود هستند، مدیریت بهینه آب و اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف آن برای حفظ توان تولید کشاورزی و تأمین امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای دارد (Postel, 1999:112). آب همچنین نقش کلیدی در توسعه صنعت ایفا می‌کند. بسیاری از صنایع ازجمله صنایع غذایی، انرژی و مواد شیمیایی به مقادیر قابل‌توجهی آب نیاز دارند. بدون دسترسی به منابع آبی پایدار، این صنایع نمی‌توانند به‌طور مداوم و کارآمد عمل کنند. علاوه بر این، کاهش منابع آب می‌تواند منجر به کاهش اشتغال در این بخش‌ها و حتی رکود اقتصادی در برخی مناطق شود. از این‌رو، پایدار بودن منابع آب یکی از عوامل حیاتی برای رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در کشورهاست (Falkenmark, 1989).

از سوی دیگر، بحران آب می‌تواند منجر به منازعات سیاسی و حتی جنگ‌های منطقه‌ای شود. در مناطقی که منابع آبی مشترک هستند، کشورها ممکن است برای دسترسی و کنترل منابع با یکدیگر درگیری‌های سیاسی یا نظامی داشته باشند. این مسئله به‌ویژه در مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا، جایی که منابع آب محدود است، به‌وضوح مشاهده می‌شود (Wolf, 1998). بنابراین، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مدیریت منابع آبی مشترک از اهمیت زیادی برخوردار است. مدیریت صحیح و همکاری میان کشورها برای حفظ منابع آبی نه‌تنها موجب بقای کشورها می‌شود، بلکه می‌تواند از بروز بحران‌ها و منازعات جلوگیری کند.

۴- پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته مسئله فلسطین مورد توجه پژوهشگران زیادی بوده ولیکن پژوهش‌هایی که مستقیم به مشکل آب در فلسطین مربوط شود، بسیار محدود است. با این اوصاف، این پژوهش‌ها اغلب به بررسی توزیع ناعادلانه منابع آبی، تأثیرات سیاسی و اقتصادی کنترل منابع آب توسط اسرائیل بر فلسطینیان، و راه‌حل‌های ممکن برای کاهش تنش‌ها متمرکز بوده‌اند. در ادامه، به برخی از پژوهش‌ها در این زمینه و یافته‌های آن‌ها اشاره می‌کنم.

ولیعقی زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: نقش آب به عنوان ابزار سیاسی در مناقشه فلسطین-رژیم صهیونیستی، به بررسی مشکل آب در مناقشه فلسطینی‌ها با رژیم اسرائیل پرداخته و نتیجه می‌گیرد که آب برای این رژیم امری حیاتی است و تلاش می‌کند کنترل همیشگی خود بر آن منابع را حفظ کند.

در بخش خارجی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که به‌طور مستقیم در ارتباط با موضوع پژوهش هستند: در مقاله: مسائل آب‌های فرامرزی در اسرائیل و فلسطین: یک مرور کلی، تروتیه و بروکس (2010) به بررسی مسائل مربوط به منابع آب بین مرزی اسرائیل و فلسطین پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که کمبود آب یکی از دلایل اصلی تنش‌های پایدار در این منطقه است و توافقات فعلی، مانند توافق اسلو، قادر به حل این مشکل نیستند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که تنها از طریق مدیریت مشترک منابع آبی و همکاری منطقه‌ای، می‌توان از تشدید بحران جلوگیری کرد.

الاطوت (2006) در مقاله: برداشتی زیست‌سرزمینی از قدرت: روایت‌های قلمرو، جمعیت و محیط‌زیست در فلسطین و اسرائیل، به بررسی نقش آب در شکل‌دهی به ساختارهای قدرت و سیاست‌های زیست‌محیطی اسرائیل و فلسطین پرداخته است. او استدلال می‌کند که آب به عنوان ابزاری برای تقویت کنترل اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی و همچنین تنظیم سیاست‌های جمعیتی و زیست‌محیطی به کار گرفته شده است. نویسنده نشان می‌دهد که از منظر اسرائیل، کنترل بر منابع آبی، هم به عنوان ابزاری اقتصادی و هم به عنوان ابزاری امنیتی عمل می‌کند.

پاسکال در پژوهش خود با عنوان آب و صلح: مناقشه آبی فلسطین و اسرائیل و راه‌حل آن (2011) به این نتیجه رسیده است که توافق‌نامه‌های صلح بین اسرائیل و فلسطین از جمله توافق اسلو، تنها به سطحی‌ترین مشکلات منابع آبی پرداخته و نتوانسته‌اند راه‌حلی پایدار برای مدیریت مشترک آب ارائه دهند. او تأکید دارد که بدون تغییرات اساسی در سیاست‌ها و توزیع عادلانه منابع، منازعه بر سر آب همچنان ادامه خواهد داشت. واوی (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان: گزارش آب فلسطین به بررسی مسئله آب در فلسطین پرداخته و به نقش آب در روند مذاکرات فلسطینی‌ها و رژیم اسرائیل اشاره کرده است.

۵- یافته‌ها

۵-۱- جایگاه عناصر سه‌گانه در تشکیل کشور مستقل فلسطین

برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی به توجه به تحولات اخیر و با فرض وجود آرامش در روابط بین طرف‌ها، رفع مشکلات کنونی و عزم کشورهای ذینفع برای تشکیل چنین کشوری، حداقل شرایط باید فراهم باشد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید برای پیدایش یک کشور سه عنصر سرزمین، مردم و حکومت باید کنار هم قرار بگیرند و در تعامل سازنده با یکدیگر باشند. پس از پیدایش کشور، حکومت آن کشور باید قادر باشد آزادانه و بدون هیچ‌گونه مانعی بر سرزمین تحت کنترل خویش اعمال حاکمیت کند. فلسطین هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. از این‌رو از منظر جغرافیای سیاسی، برای پیدایش کشور مستقل فلسطینی فراهم بودن موارد زیر ضروری است.

الف) سرزمین

قیمومیت بریتانیا بر فلسطین از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۴۸ ادامه یافت. در نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۸۱ را صادر کرد که در آن، پیشنهاد تقسیم سرزمین فلسطین به دو قسمت فلسطینی و یهودی را توصیه کرده بود (نقشه شماره ۱). بر اساس این توصیه اداره بخش یهودی با دولت یهودی و بخش فلسطینی با دولت عربی باشد. این طرح از سوی یهودیان پذیرفته شد اما اعراب آن را رد کردند. در سال ۱۹۴۸ اسرائیل با حمایت انگلیس و آمریکا پدید آمد.

اکنون فلسطین شامل دو گستره جغرافیایی جدا از هم، کرانه باختری (شامل بیت‌المقدس شرقی) و باریکه غزه است. کرانه باختری ۵۶۶۰ کیلومترمربع و باریکه غزه ۳۶۵ کیلومترمربع وسعت دارد. کرانه باختری از سه طرف به اسرائیل محدود می‌شود و رود اردن در شرق آن جریان دارد. باریکه غزه در شرق دریای مدیترانه واقع شده و در شرق و شمال به اسرائیل و در جنوب به مصر محدود می‌شود. در بین این دو سرزمین جدا افتاده فلسطین، رژیم اسرائیل قرار گرفته است. فاصله شمال باریکه غزه با شهر هبرون در کرانه باختری حدود ۵۰ کیلومتر است. ایجاد گذرگاه امن برای فلسطینیانی که قصد رفتن به بخش دیگر را دارند، بخشی از توافقنامه موقت دوم اسلو بود. دلیل طرح آن به تأکید دو طرف در اصول اعلامیه ۱۹۹۳ بازمی‌گردد (Lonergan, 2004).

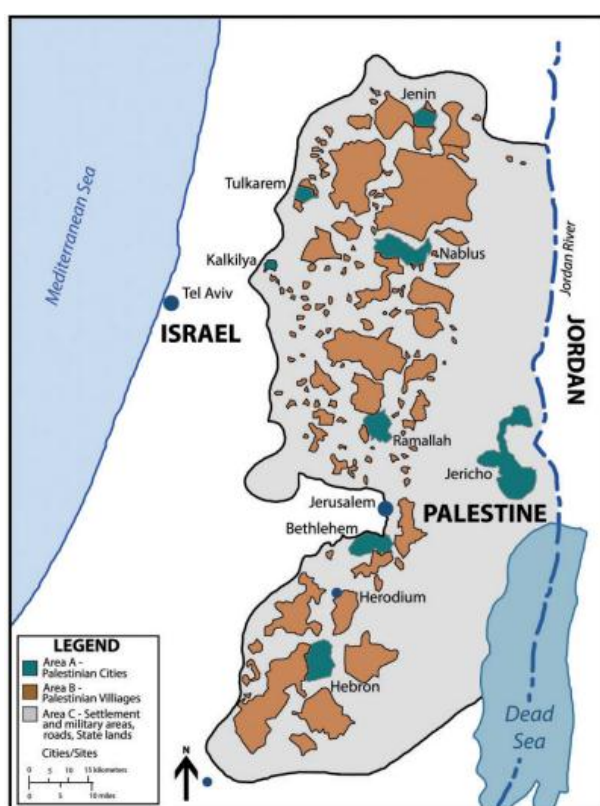
نقشه شماره ۱: طرح سازمان ملل برای ایجاد دو کشور عربی و یهودی در سال ۱۹۴۷

Source: Britanica, 2025

سرزمین فلسطین با وجود کوچک بودن دارای چند پدیده اختلاف ارتفاعی است. به‌ویژه در کرانه غربی که این اختلاف از ۱۰۲۰ متر از سطح دریا تا ۴۲۰ متر پائین تر از سطح دریا در حبرون متفاوت است. در سپتامبر ۱۹۹۵، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دولت اسرائیل قرارداد اسلو ۲ را امضا کردند که شامل موارد زیر بود: برگزاری انتخابات، تقسیم کرانه باختری به سه منطقه (منطقه A تحت کنترل مدنی و امنیتی خودگردان، منطقه B که امنیت آن بین تشکیلات خودگردان و اسرائیل مشترک است و منطقه C شامل زمین‌هایی است که به تشکیلات خودگردان منتقل نشده و تحت کنترل اسرائیل باقی می‌ماند)؛ مرحله نخست خروج اسرائیل از زمین‌هایی که باید به منطقه A منتقل شود (شهرهای اصلی) یا منطقه B (روستاهای اطراف). و تعهد اسرائیل به خروج بیشتر از محل‌های نظامی مشخص که در سه مرحله ظرف هجده ماه از آغاز به کار مجلس فلسطین (Oslo

(II Agreement, 1995). بزرگ‌ترین منطقه که C نام دارد ۶۱ درصد مساحت کرانه باختری را در برمی‌گیرد. در این منطقه تشکیلات خودگردان هیچ اختیاری ندارد. اداره امور شهری و تأمین امنیت به‌صورت هم‌زمان بر عهده رژیم اسرائیل است. دومین منطقه از لحاظ وسعت B نام دارد که ۲۸ درصد مساحت کرانه باختری را شامل می‌شود. در این منطقه تشکیلات خودگردان مسئول اداره امور شهری و اسرائیل مسئول تأمین امنیت است. در منطقه A که تنها ۱۱ درصد از خاک کرانه باختری است، تشکیلات خودگردان هر دو مسئولیت مزبور را دار است (نقشه شماره ۲).

نقشه شماره ۲ مناطق سه‌گانه A, B, C



Source: Kersel, 2014

ب) ملت

اگرچه قلمرو اقوام عرب از شبه‌جزیره عربستان شروع و تا شمال آفریقا پیش می‌رود و نشان‌دهنده گونه‌گونی آن‌هاست ولی نژاد و زبان مردم فلسطین عربی است. آنان مسلمان هستند و سنی مذهب. بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار فلسطین (PCBS)، در میانه سال ۲۰۱۵، جمعیت فلسطین در کرانه باختری و غزه تقریباً ۴,۶۸ میلیون نفر بود که ۲,۸۶ میلیون نفر آن در کرانه باختری و ۱,۸۲ میلیون نفر هم در باریکه غزه ساکن بودند. جمعیت فلسطینی ساکن در بیت‌المقدس شرقی بالغ بر ۲۵۵,۶۸۶ نفر بود. در آن سال بیشتر

فلسطینی‌ها در شهرها ساکن بودند که ۷۳,۹ درصد را شامل می‌شد. ۱۶,۷ درصد جمعیت هم در روستاها ساکن بودند و ۹,۴ درصد هم ساکن اردوگاه‌های پناهندگان (ARIJ, 2015).

جدول شماره ۱: وسعت و جمعیت مناطق فلسطین در سال ۲۰۲۱

تراکم جمعیت (Capita) (km ²)	جمعیت در پایان سال ۲۰۲۱	مساحت (km ²)	فرمانداری
۸۷۸	۵۲۹۰۹۲۵	۶۰۲۵	حکومت خودگردان
۵۵۷	۳۱۴۵۴۱۸	۵۶۶۰	کرانه غربی
۵۸۷	۳۴۲۳۹۶	۵۸۳,۷	جنین
۱۶۳	۶۶۶۲۸	۴۰۸,۷	طوباس و دره‌های شمالی
۸۱۴	۲۰۰۶۲۹	۲۴۶,۵	طولکرم
۷۰۱	۴۱۹۵۸۹	۵۹۸,۵	نابلس
۷۴۴	۱۲۳۰۰۲	۱۶۵,۳	قلقیلیه
۴۰۶	۸۳۰۵۰	۲۰۴,۴	سلفیت
۴۲۰	۳۵۸۹۰۲	۸۵۵,۲	رام‌الله و البیره
۹۱	۵۳۸۰۲	۵۹۲,۹	اریحا و الاقوار
۱۳۶۵	۴۷۶۹۴۹	۳۴۹,۴	بیت‌المقدس
۳۶۲	۲۳۷۲۷۱	۶۵۵,۴	بیت لحم
۷۹۲	۷۹۲۲۰۰	۱۰۰۰	هبرون
۵۸۵۳	۲۱۳۶۵۰۷	۳۶۵	باریکه غزه
۶۹۵۸	۴۲۳۷۲۶	۶۰,۹	شمال غزه
۹۶۸۳	۷۲۲۳۵۰	۷۴,۶	غزه
۵۴۰۹	۳۰۶۶۶۳	۵۶,۷	دیرالبلح
۳۸۲۸	۴۱۹۸۹۲	۱۰۹,۷	خان یونس
۴۱۸۲	۲۶۳۸۷۶	۶۳,۱	رفح

Source: State of Palestine, 2022

بر اساس پیش‌بینی اداره آمار دولت فلسطین جمعیت تشکیلات خودگردان در سال ۲۰۲۵ به ۵۴۸۲۵۴۰ نفر خواهد رسید.

ساکنان باریکه غزه فلسطینی هستند. اگرچه ساکنان غزه به‌طور عمده فلسطینی و عرب هستند ولی بخشی از جمعیت کرانه غربی را شهرک‌نشین‌های یهودی تشکیل می‌دهند. ساکنان یهودی در بیش از ۵۱,۶ درصد کرانه غربی ساکن هستند (Wawi, 2023). به‌بیان‌دیگر جمعیت کرانه غربی ترکیبی است از فلسطینیان و اسرائیلی‌ها. بیش از ۴۵۰۰۰۰ هزار نفر یهودی در بیش از نیمی از کرانه غربی پراکنده هستند.

ج) حکومت

رژیم اسرائیل پس از پیدایش، با اعراب وارد جنگ‌هایی شد که نتیجه آن کنترل بیشتر سرزمین‌های عربی بود. پس از تأسیس اسرائیل، کرانه غربی زیر نظر اردن قرار گرفت و مدیریت باریکه غزه را هم مصر به عهده گرفت. سازمان آزادی‌بخش فلسطین که در سال ۱۹۶۴ تشکیل گردید، میثاق ملی فلسطین را در سال ۱۹۶۸ به تصویب رساند. این میثاق ملت فلسطین را متعهد به مبارزه برای حقوق خود کرد. این حقوق شامل حق تعیین سرنوشت، استقلال ملی و حاکمیت در فلسطین، حق بازگشت به خانه و اموال خود در فلسطین و همچنین حق توسل به مبارزه مسلحانه در تعقیب آن اهداف است. ساف که قوی‌ترین و پرنفوذترین گروه مخالف اسرائیل بود، پس از سال ۱۹۷۴ نمایندگی مردم فلسطین در سازمان ملل را به عهده گرفت و به‌عنوان ناظر در جلسات آن شرکت کرد (UN, 1980). پس از سال‌ها مبارزه خونین در نهایت با امضاء قرارداد اسلو، سازمان آزادی‌بخش تشکیلات خودگردان فلسطین را پدید آورد. این قرارداد در ۲۰ اوت ۱۹۹۳ نهایی شد و در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ در واشنگتن در کاخ سفید امضا شد. در آستانه امضای قرارداد، یاسر عرفات (رئیس ساف) و اسحاق رابین (نخست‌وزیر اسرائیل) توافقنامه‌هایی مبنی بر شناسایی متقابل ردوبدل کردند: ساف حق دولت اسرائیل برای وجود صلح و امنیت را به رسمیت شناخت و دولت اسرائیل سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت شناخت. در ماه مه ۱۹۹۴، دو طرف توافقنامه قاهره را امضا کردند مذاکرات در حالی ادامه یافت که اسرائیل و ساف برای اجرای راه‌حل دو کشوری در میدان تلاش می‌کردند. در ماه مه ۱۹۹۴، توافقی در قاهره منعقد شد که منجر به خروج نیروهای اسرائیلی از شهرهای غزه و اریحا در همان ماه شد و تشکیلات خودگردان فلسطین را برای انجام وظایف غیرنظامی در آن مناطق تشکیل داد. حکومت خودمختار تشکیلات خودگردان در سال ۱۹۹۵ پس از انعقاد موافقت‌نامه موقت در کرانه باختری و نوار غزه (معروف به اسلو ۲) به شش شهر دیگر گسترش یافت (Britanica, 2025). یاسر عرفات که رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) را به عهده داشت به ریاست تشکیلات خودگردان انتخاب شد و تا زمان فوت این پست را در دست داشت. تشکیلات خودگردان تقریباً تمام ادارات، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها را دارا است. این تشکیلات دارای ۱۸ وزارتخانه، معاون نخست‌وزیر، نخست‌وزیر و رئیس تشکیلات خودگردان است (Miftah.org, 2025). محمود عباس پس از فوت یاسر عرفات به رهبری فلسطین انتخاب شد.

اگرچه از زمانی که تلاش برای ایجاد یک کشور مستقل در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، سیاست فلسطین مملو از اختلافات بوده اما پس‌ازاینکه حماس، یک حزب اسلام‌گرا، فتح، یک جنبش سکولار را در انتخابات شورای قانون‌گذاری فلسطین در سال ۲۰۰۶ شکست داد، اختلافات بیشتر شد. درگیری‌های جناحی پس از شکست دو طرف در دستیابی به توافق تقسیم قدرت آغاز شد. صدها نفر جان باختند. سرزمین‌های فلسطینی به دو بخش

تقسیم گردید: حماس بر غزه حکومت کرد و فتح رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری را بر عهده گرفت (usip.org, 2019). باوجود تلاش‌های صورت گرفته اختلاف تشکیلات خودگردان و حماس همچنان حل نشده باقی مانده است.

تشکیلات خودگردان پول واحد ندارد و از پول سه کشور برای مبادلات اقتصادی روزانه استفاده می‌کند که عبارت‌اند از: شیکل اسرائیل، دلار آمریکا و دینار اردن. اگرچه تشیلات خودگردان دارای وزارت اقتصاد است اما امور مالی آن زیر نظر رژیم اسرائیل می‌باشد.

۵-۲- نقش منابع طبیعی با تأکید بر آب در تشکیل کشور مستقل فلسطین

منابع طبیعی نقش حیاتی در پیدایش و پایداری کشورها ایفا می‌کنند. وجود و بهره‌برداری بهینه از این منابع، به کشورها امکان می‌دهد تا زیرساخت‌های اقتصادی خود را گسترش دهند، رفاه اجتماعی را افزایش دهند و وابستگی به منابع خارجی را کاهش دهند. به‌عنوان مثال، کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز غنی، همچون نروژ، قطر و عربستان سعودی، توانسته‌اند به کمک این منابع ثروت و قدرت اقتصادی خود را تقویت کنند و به‌عنوان بازیگران مهم در صحنه بین‌المللی شناخته شوند.

پایداری یک کشور به‌طور مستقیم با مدیریت صحیح منابع طبیعی آن در ارتباط است. بهره‌برداری نادرست و بیش‌ازحد از این منابع می‌تواند به تخریب محیط‌زیست، کاهش تنوع زیستی و نابودی اکوسیستم‌ها منجر شود. علاوه بر این، منابع طبیعی نقشی استراتژیک در تأمین امنیت انرژی و استقلال اقتصادی کشورها دارند. با توجه به تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت جهانی، اهمیت استفاده پایدار از منابع طبیعی بیش‌ازپیش برجسته شده است. کشورهایی که به سمت انرژی‌های تجدید پذیر و منابع کم‌کربن حرکت کرده‌اند، نه تنها به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک کرده‌اند، بلکه در آینده نیز توانایی بهتری در مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی خواهند داشت (UNEP, 2019: 40).

توان‌زیستی منطقه مورد مطالعه به‌ویژه از نظر منابع آبی (سطحی و زیرسطحی) بالا نیست. به دلیل قرار گرفتن در غرب آسیا که جزو مناطق کم باران به شمار می‌رود، محدودیت منابع آب امری پذیرفته شده است و فلسطین گرفتار کم‌آبی است. سرزمین فلسطین در منطقه‌ای به‌طور کلی گرم، خشک و کم آب واقع شده است که میانگین دمای آن طی پنجاه سال گذشته افزایش یافته است. تغییر اقلیم همچنین چرخه آب، الگوهای بارش و فصل‌های را تغییر داده است. میانگین بارندگی ماهانه ممکن است تا پایان قرن ۸ تا ۱۰ میلی‌متر کاهش یابد الگوهای بارندگی فصلی نیز ممکن است تغییر کند و منجر به خشکی بیشتر شود. نیمی از چاه‌های کرانه باختری در طول ۲۰ سال گذشته خشک شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود خطرات مرتبط با آب و هوا بیشتر اتفاق بیفتد و شدیدتر باشد و محدودیت آب را بیشتر کند (UN, 2021).

منابع آبی منطقه مورد مطالعه دو ویژگی مهم دارد: محدود بودن و مشترک بودن. آب‌های مشترک این منطقه به دو بخش آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی قابل تقسیم است.

الف) آب‌های سطحی

1- رود اردن: مهم‌ترین حوضه آبی در این منطقه رود اردن است. رود اردن از دو بخش تشکیل شده است: قسمت بالایی که سرچشمه‌های آن شامل رود حاصبانی و چشمه دان در لبنان و رود بانیاس در بلندی‌های جولان است (عسگری، ۱۳۹۰: ۷۵). قسمت پایین رود اردن ادامه جریان از دریاچه تیبیریا به دریای مرده است که ۴۲۵ متر از سطح دریا پائین تر است، می‌ریزد (PALESTINIAN WATER AUTHORITY, 2012: 16).

2- دره‌های کرانه باختری: میانگین درازمدت جریان سالانه آب سیلاب از طریق دره‌ها در کرانه باختری حدود ۱۶۵ میلیون متر مکعب در سال است. به‌طور کلی، وادی‌های کرانه باختری با جهت جریان به دره‌های شرقی (به سمت دره اردن و دریای مرده) و دره‌های غربی (به سمت مدیترانه) طبقه‌بندی می‌شوند. در حال حاضر، حدود ۲ میلیون متر مکعب در سال در حال برداشت است.

3- دره غزه- از منطقه شرق بالادست سرچشمه می‌گیرد که اسرائیل در آنجا جریان طبیعی را تحت کنترل دارد. این اقدام اسرائیل باعث خشک کردن دره می‌شود به‌جز در سال‌های بسیار مرطوب، و استفاده از جریان سطحی باقی‌مانده بسیار محدود است مگر در سال‌هایی که بارش زیاد است. متوسط دبی سالانه این وادی حدود ۲۰ میلیون متر مکعب در سال است (PALESTINIAN WATER AUTHORITY, 2012: 16).

ب) آب‌های زیرزمینی

آب‌های زیرزمینی اصلی ترین منبع آب شیرین در فلسطین است و ۶۹ درصد از منابع آبی آن را تشکیل می‌دهد. یکی از منابع مهم تأمین آب در فلسطین، آبخوان‌های کوهستانی است که پس از تغذیه، در مسیر شیب طبیعی جریان می‌یابند. کرانه غربی از توپوگرافی نسبتاً متفاوتی برخوردار است. ناهمگونی توپوگرافیکی آن ناشی از وجود کوه‌های نه‌چندان مرتفعی است که به‌مثابه خط تقسیم آب عمل می‌کنند. ارتفاعات کرانه غربی با جهت شمالی-جنوبی حوضه آبخیزی را پدید می‌آورند که شیب کلی آن به سمت غرب و شرق است.

کرانه باختری بر فراز آبخوان کوهستانی قرار دارد که به سه سفره زیرحوضه به نام‌های آبخوان غربی، آبخوان شمال شرقی و آبخوان شرقی تقسیم می‌شوند. در همین حال، نوار غزه در بالای بخشی از آبخوان ساحلی قرار دارد (نقشه شماره ۳). باران‌های زمستانی سفره‌های آب زیرزمینی را با تغذیه سالانه ۷۲۱ میلیون متر مکعب

در کرانه باختری پر می‌کند. حداکثر تغذیه در آبخوان ساحلی از ۶۰ میلیون مترمکعب در سال تجاوز نمی‌کند (water.fanack, 2023).

نقشه شماره ۳ موقعیت سفره‌های آب



Source: water.fanack, 2023

در حال حاضر مهم‌ترین منبع طبیعی که در پیدایش و دوام بقای کشور فلسطین نقش اساسی دارد، آب است. اهمیت موضوع آب باعث گردیده از همان ابتدا در مذاکرات بین دو طرف به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح باشد. مسئله آب در توافق‌نامه اسلو ۲ (۱۹۹۵) که به‌عنوان توافق موقت اسرائیل و فلسطین شناخته می‌شود، در ضمیمه ۳ (پروتکل مربوط به همکاری‌های مدنی) و به‌طور خاص در ماده ۴۰ مورد بحث قرار گرفته است. این ماده به منابع آبی و همکاری بین دو طرف در زمینه آب اختصاص دارد.

ماده ۴۰ از ضمیمه ۳ به جزئیات مسائل مرتبط با آب پرداخته و نکات زیر را شامل می‌شود:

- 1- به رسمیت شناختن نیازهای آبی فلسطینی‌ها: در این ماده، اسرائیل نیازهای آبی مردم فلسطین را به رسمیت می‌شناسد و تعهد می‌دهد که بخشی از منابع آبی موجود را به فلسطینی‌ها اختصاص دهد.

2- ایجاد کمیته مشترک آب: در این ماده تصریح شده که کمیته‌ای مشترک بین اسرائیل و فلسطینی‌ها برای مدیریت و تخصیص منابع آبی در کرانه باختری تشکیل می‌شود. این کمیته مسئولیت نظارت بر پروژه‌های آبی و تضمین توزیع منصفانه آب بین دو طرف را بر عهده دارد.

3- تخصیص منابع آب: ماده ۴۰ همچنین در مورد تخصیص منابع آب بین دو طرف به‌طور جزئی‌تر صحبت می‌کند. توافق شده که فلسطینی‌ها مجاز به توسعه منابع آبی اضافی و استفاده از برخی از منابع آب زیرزمینی در کرانه باختری هستند.

4- مدیریت و حفاظت از منابع آبی: در این ماده بر لزوم همکاری برای حفاظت از منابع آب و جلوگیری از آلودگی و سوءاستفاده از آن‌ها تأکید شده است (Oslo II Agreement, 1995).

بلافاصله پس از توافق اسلو در سال ۱۹۹۵، تشکیلات خودگردان فلسطین شروع به ایجاد نهادهای عمومی، قوانین، مقررات، استراتژی‌ها و سیاست‌های مدیریت آب کرد. اگرچه افراد ذینفع از سطوح مختلف به‌منظور بهبود بخش آب و فاضلاب درگیر شده‌اند اما مدیریت آب در فلسطین به دلیل تسلط رژیم اسرائیل بر این منابع بسیار پیچیده است. باوجوداین، تشکیلات خودگردان و سازمان‌های دولتی و غیردولتی ذی‌ربط مانند شهرداری‌ها، دهیاری‌ها، شرکت‌های آب، سازمان‌های کمک‌کننده و مؤسسات دانشگاهی به تدوین قوانین و استراتژی‌ها و برنامه‌های لازم در خصوص منابع آب اقدام کرده‌اند. نخستین اقدام به سال ۱۹۹۵ مربوط می‌شود که به مسائل مهم مدیریت و برنامه‌ریزی آب مانند ساختار، قوانین و وظایف نهادهای بخش آب می‌پردازد و آخرین مورد آن هم طرح استراتژیک برای دستیابی به مدیریت یکپارچه پایدار منابع آب بر اساس اصول صحیح و اثربخشی است که در سال ۲۰۱۶ تصویب گردید.

در تشکیلات خودگردان فلسطین وزارتخانه منابع طبیعی یا وزارتخانه‌ای که منابع طبیعی از جمله منابع آب این تشکیلات را مدیریت کند وجود ندارد. اگرچه اداره انرژی و منابع طبیعی فلسطین در سال ۱۹۹۵ پس از پیدایش تشکیلات خودگردان پدید آمد ولی عمده فعالیت آن مربوط به تأمین انرژی الکتریکی می‌باشد.

۵-۳- منابع آب فلسطین هم محدود هم محصور

بخش عمده آب بدست آمده برای کشاورزی مصرف می‌شود که از نظر ایجاد فرصت‌های شغلی برای تشکیلات خودگردان بسیار مهم است. یک سوم آب بدست آمده به دلیل فرسوده بودن شبکه، از بین می‌رود. از سال ۱۹۶۷، زمانی که شرکت ملی آب اسرائیل Mekorot کنترل منابع آبی کرانه باختری را به دست گرفته، ساکنان کرانه غربی برای رفع نیازهای خود مجبور به خرید آب استخراج شده از آبخوان کوه شدند (European Parliament, 2016).

جدول شماره ۲: آب قابل دسترس فلسطینیان براساس منبع / سالیانه / میلیون مترمکعب در سال ۲۰۲۱

منطقه	جمع کل	آب خریداری از اسرائیل	آب ناشی از نمک‌زدایی	برداشت سالیانه از چشمه‌ها	برداشت سالیانه از چاه‌ها
فلسطین	۴۳۸,۴	۹۶,۱	۷,۵	۳۷	۳۹۷,۸
خرانه باختری	۲۲۴	۸۱,۷		۳۷	۱۰۵,۳
باریکه غزه	۲۱۴,۴	۱۴,۴	۷,۵		۱۹۲,۵

Source: Palestinian Central Bureau of Statistics, 2025

مصرف آب توسط اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در کرانه باختری نشان‌دهنده نابرابری‌های فاحش است، به‌طوری‌که فلسطینی‌ها به حدود ۷۳ لیتر در هر نفر در روز دسترسی دارند درحالی‌که سازمان بهداشت جهانی آب موردنیاز هر نفر در روز را یک‌صد لیتر توصیه کرده است. طبق اعلام اداره مرکزی آمار فلسطین و سازمان آب فلسطین (PWA) تنها ۷۳,۵ درصد از خانواده‌ها در کرانه باختری آب آشامیدنی خود را به‌اندازه کافی می‌دانند.

آب ساکنان باریکه غزه از سفره‌های زیرزمینی کرانه‌ای تأمین می‌شود. با توجه به برداشت بیش از میزان تغذیه، آب‌شور دریای مدیترانه در حال پیشروی در سفره‌های زیرزمینی است و به‌تدریج میزان شوری منابع را بیشتر از حد معمول خواهد کرد. اتحادیه اروپا و یونسف تخمین می‌زنند که ۹۰ تا ۹۵ درصد از آب نوار غزه برای مصرف انسان نامناسب است. در سال ۲۰۱۴، کمیته حقوق بشر نگرانی‌هایی را در مورد وضعیت ساکنان نوار غزه و دسترسی آن‌ها به آب مطرح کرده بود. تنها ۵,۸ درصد از خانواده‌های ساکن آنجا آب خود را برای نوشیدن مناسب می‌دانند (European Parliament, 2016).

منابع آب فلسطینیان ساکن غزه تا پیش از جنگ اخیر، سفره‌های زیرزمینی کرانه‌ای بوده است که از طریق چاه، آب شیرین شده به سه شیوه تأمین می‌شد: کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن غزه، آب‌لوله‌کشی از اسرائیل شرکت مکوروت و تأمین‌کنندگان آب در مقیاس کوچک محلی که پس از حمله موسوم به طوفان الاقصی، تأسیسات آبی این منطقه به یکی از اهداف رژیم اسرائیل تبدیل شد و مانند تصفیه فاضلاب و امکانات دفع و تأسیسات مربوطه موردحمله قرار گرفتند. ارزیابی‌های اولیه تأکید دارد که ۵۷ درصد زیرساخت‌های آبی از بین رفته یا بخشی از آن‌ها آسیب‌دیده است، ازجمله آب‌شیرین‌کن شمال و مناطق میانی، ۱۶۲ حلقه چاه آب و دو خط لوله انتقال از سه خط لوله ارتباط با مکوروت (آب ملی اسرائیل شرکت تأمین‌کننده آب غزه) آسیب‌دیده که ضرر آن بیش از ۵۰۳ میلیون دلار است. درنتیجه آسیب به زیرساخت‌ها و کمبود برق، آب، فاضلاب و سیستم بهداشتی فروریخته است و آب تولیدشده در مارس ۲۰۲۴ کمتر از پنج درصد تولید معمول برآورد شده است. علاوه بر این، شبکه‌های فاضلاب غزه، سه مرکز از شش مرکز تصفیه، و پنج مورد از شش سایت مدیریتی زباله آسیب‌دیده یا تخریب‌شده‌اند (UN, 2024).

۵-۴- منابع آبی مشترک فلسطین و اسرائیل و کنوانسیون‌های بین‌المللی

اعراب و اسرائیل برای نه فقط خاک بلکه هر آنچه متعلق به آنست، باهم درگیر هستند. اما یکی از عوامل درگیری آن‌ها آب است (Asgari, 2011: 75). رژیم اسرائیل با درک مشکل کم‌آبی و حساسیت‌های آن از همان ابتدا تلاش کرده تا حد امکان منابع مشترک را تحت کنترل خود بگیرد. آب برای رژیم اسرائیل امری حیاتی است. رهبران این رژیم از ابتدا به اهمیت آب برای دوام موجودیت این رژیم پی برده و برای بدست آوردن و کنترل منابع آب از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. از ابتدای قرن بیستم آب در منازعه رژیم صهیونیستی-فلسطین نقش مهمی بازی کرده است. به‌طوری‌که رهبران صهیونیستی در سال ۱۹۱۹، یعنی دو سال بعد از صدور بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ خواستار تغییر در مرزهای ترسیمی بعد از بیانیه بالفور شدند. درواقع هدف اصلی این خواسته آوردن منابع بارزش آب به زیر کنترل منطقه تحت الحمايه فلسطین و در ادامه آن تحت کنترل دولت یهودی بود (Valigholizadeh, 2011). تنش آبی این رژیم با همسایگان و ازجمله با تشکیلات خودگردان فلسطین فراتر از حد انتظار است. براساس توافق اسلو منابع آب به‌ویژه در کرانه غربی عمدتاً تحت کنترل اسرائیل است و همین مسئله باعث پیچیدگی بیشتر موضوع و یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر تشکیل کشور مستقل فلسطینی است. به‌بیان‌دیگر این توافق به‌عنوان چارچوبی موقت برای مدیریت منابع آبی و نیازهای دو طرف در نظر گرفته شد. بااین‌حال، به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و عدم اجرای کامل برخی از تعهدات، مشکلات مرتبط با آب همچنان یکی از مسائل حل‌نشده میان اسرائیل و فلسطینی‌ها باقی‌مانده است.

رویه پذیرفته برای بهره‌مندی از منابع آب مشترک در دنیا نخست توافقات دوجانبه معقول است که منافع طرفین لحاظ شده باشد. چنانچه توافقی حاصل نشود از توصیه و راه‌حل‌های بین‌المللی کمک گرفته می‌شود. در خصوص حوضه‌های مشترک چندین راهکار معتبر و منصفانه وجود دارد که می‌توان از آن‌ها با عنوان قانون‌ها و کنوانسیون‌های جهانی آب یاد کرد. اگرچه این راه‌حل‌ها الزام‌آور نیستند اما به‌طور حتم می‌توانند در رفع مشکل مؤثر باشند.

کنوانسیون‌ها و قواعد بین‌المللی موجود در زمینه آب‌های فرامرزی شامل (۱) قواعد هلسینکی، (۲) کنوانسیون آب اروپا، (۳) کنوانسیون آبراهه سازمان ملل متحد و (۴) قواعد منابع آب برلین است که چگونگی تقسیم آب، مباحث اصلی آن‌هاست.

قواعد آبی هلسینکی که در ۱۹۶۶ تصویب شد اثر زیادی در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل آب داشته است. این قواعد بر دو اصل مهم بنا شده است. یکم، اصل حق استفاده همه کشورهای یک حوضه بین‌المللی از آب‌های حوضه و دوم، اصل استفاده معقول و منصفانه از آب‌های حوضه بین‌المللی. ضمن اینکه اصل التزام به عدم

آسیب‌رسانی به صورت غیرمستقیم و به عنوان یکی از ۱۱ عامل تعیین سهم استفاده معقول و منصفانه منظور شده است (Avarideh et al, 2016).

کنوانسیون آب اروپا (۱۹۹۲) اگرچه بر مبنای قواعد هلسینکی تنظیم شده ولی روح حاکم بر آن، به دوراز دغدغه‌های اصلی قواعد هلسینکی و حول محور مشارکت کشورهای آبراه بین‌المللی، بهره‌برداری پایدار از منابع آب مرزی، الزام به رعایت موارد کیفی و زیست‌محیطی، کنترل سیلاب و اطلاع‌رسانی و هشدار است. همچنین موضوع استفاده منصفانه و معقول تنها در یکی از عبارات مربوط به یکی از بندهای زیرمجموعه ماده ۳ آورده شده که نشان می‌دهد در کشورهای اروپایی، موضوع کیفیت آب، محیط‌زیست و سیلاب، عمده‌ترین دغدغه در موضوعات مربوط به آب‌های فرامرزی است (Avarideh et al, 2016).

کنوانسیون آبراهه سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۷ یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های جهانی در خصوص بهره‌برداری از منابع آب مشترک است. این کنوانسیون در ۳۷ ماده و ۷ بخش تنظیم و تصویب شده است. روح حاکم بر این کنوانسیون دعوت به همکاری و رعایت جانب حق و حقوق دیگران است. در بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون کشورهای واقع در حوضه‌های مشترک ملزم به بهره‌برداری منصفانه و مسئولانه از منابع آب هستند. در این بند آمده:

کشورهای حاشیه آبراهه‌ها در بهره‌برداری از یک مسیر آب بین‌المللی در قلمرو خویش، باید به شیوه‌ای عادلانه و معقول عمل کنند. به طور مشخص، یک مسیر آب بین‌المللی باید توسط دولت‌های حوضه آبریز با هدف دستیابی به بهره‌برداری بهینه و پایدار از آن و منافع حاصل از آن، با در نظر گرفتن منافع دولت‌های رودخانه مربوطه، منطبق با حفاظت کافی از مسیر، استفاده و توسعه یابد (United Nations, 2014).

بند ۱ ماده ۷ این کنوانسیون کشورها را متعهد به اصل التزام به عدم آسیب‌رسانی قابل توجه به سایر کشورهای حوضه برمی‌شمارد.

در بند ۱ از ماده ۱۰ معاهده آب برلین تأکید شده که کشورهای حوضه مشترک آب حق دارند در مدیریت و بهره‌برداری معقولانه و منصفانه و مبتنی بر توسعه پایدار مشارکت نمایند. در این بند آمده:

کشورهای حوضه آبی حق دارند در مدیریت آب‌های یک حوضه آبریز بین‌المللی به شیوه‌ای عادلانه، معقول و پایدار مشارکت کنند (International Law Association Berlin Conference, 2004).

کنترل منابع آب فلسطین توسط اسرائیل با هیچ یک از این کنوانسیون‌ها و قواعد بین‌المللی سازگار نیست و به مثابه سلطه و تضییع حق طرف مقابل است.

تأسیس کشور فلسطین آرزوی دیرینه مردمان این سرزمین بوده است. حداقل از زمانی که اسرائیل ایجاد شده آمال آن‌ها برای داشتن کشوری مستقل به حق بوده که مانند دیگر مردمان کشور خود را داشته باشند. با گذشت زمان، اما تحقق این آرزو سخت شده و با وقوع تحولات اخیر دست‌یابی به چنین غرضی بعید می‌نماید. تاکنون ۱۹۱ قطعنامه از سوی شورای امنیت سازمان ملل صادر شده که به موضوع فلسطین اختصاص داشته یا لاقلاً یکی از موارد تأکید در آن‌ها موضوعات یا یک موضوع فلسطینی بوده است. به‌بیان دیگر درگیری اعراب و اسرائیل از موضوعات مهم بوده که در خصوص آن تعداد زیادی قطعنامه صادر شده است. شاید بتوان گفت هیچ موضوعی مانند اختلاف و درگیری اعراب و اسرائیل نمی‌توان یافت که تا این اندازه قطعنامه صادر شده باشد. نخستین قطعنامه در سال ۱۹۴۷ به شماره ۱۸۱ صادر شد و در آن به تقسیم فلسطین به دو بخش عربی و اسرائیلی تأکید گردید. قطعنامه شماره ۳۲۳۶ در سال ۱۹۷۴ به حق فلسطینیان برای حاکمیت، استقلال و بازگشت آوارگان تأکید داشت. در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴ قطعنامه ۲۷۳۵ صادر شده که یکی از مفاد مهم آن بر راه‌حل تشکیل دو کشور مستقل تأکید شده است (un.org, 2024). با تمام تلاش‌ها و حمایت‌های صورت گرفته کشور مستقل فلسطینی هنوز تشکیل نشده است.

برای تشکیل واحد سیاسی یا کشور در دنیا یک رویه شناخته شده وجود دارد و کشورهای دنیا برای پیدایش، مرحله‌ای را طی کرده‌اند. وجود سه عنصر سرزمین، ملت و حکومت ضرورت اصلی پیدایش کشور است. در مرحله بعدی کسب مشروعیت است که معمولاً به دو بخش داخلی و بین‌المللی قابل تقسیم است. در بخش داخلی تأیید حکومت توسط مردم کفایت می‌کند اما در بعد جهانی، پیدایش کشور و حکومت حاکم بر آن باید از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود. براساس واقعیت‌های موجود کاستی‌های مهمی در مسیر تشکیل کشور مستقل فلسطینی وجود دارد: کنترل بخش‌هایی از کرانه باختری توسط اسرائیل، عدم شکل‌گیری تشکیلات مالی مستقل، دو پارچه‌گی سرزمینی فلسطین و همچنین دواپاره بودن حکومت آن یک مشکل بنیادین است. اما آنچه فراتر از همه موارد است به مدیریت منابع طبیعی و غیرطبیعی بازمی‌گردد. براساس یافته‌های پژوهش کنترل اصلی بر منابع آبی فلسطین توسط رژیم اسرائیل اعمال می‌شود و تشکیلات خودگردان وضعیت شکننده‌ای در این زمینه دارد. فلسطینیان برای رفع نیازهای آبی خود مجبور هستند هزینه پرداخت کنند و آب را از اسرائیل خریداری کنند. برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی صرف‌نظر از دواپاره‌گی سرزمینی آن که خود یک مشکل بزرگ در مدیریت و سازماندهی سیاسی فضا می‌باشد، مشکل بزرگ‌تر دیگر باید برطرف گردد: مدیریت سرزمین و منابع طبیعی به‌ویژه منابع آب فلسطین (آب‌های سطحی و زیرسطحی) به فلسطینیان واگذار گردد. یافته‌های پژوهش تأکید دارند که منابع آب فلسطین محدود است و باوجود محدودیت، توسط اسرائیل کنترل می‌شود. تشکیل کشور مستقل فلسطینی بدون کنترل منابع آب توسط فلسطین تحقق نخواهد یافت.

کتابنامه

1. Ahmadi, H., (1990). *Roots of the Crisis in the Middle East*. Tehran: Keyhan Publication, [In Persian]
2. Ahmadypoor, Z., (2011). *The Political Organization of Space*. Tehran: National Geographic Organization of Iran, [In Persian]
3. Asgari, S., (2010). *An Introduction to Environmental Geopolitics*. Tehran: Nevisande Publication [In Persian]
4. Asgari, S., (2024). Hydropolitics of Iran's Water Resources: Consequences of the Water Scarcity Challenge. *Political Organizing of Space*, 6(4): 87-106 [In Persian]
5. Asgari, S., (2015). *Political and Space*. Payam Noor Publications [In Persian]
6. Alatout, S., (2006). Towards a Bio-Territorial Conception of Power: Territory, Population, and Environmental Narratives in Palestine and Israel. *Political Geography*, 25(6), Pp: 601-621.
7. Avarideh, F., (2016). Comparative Study of the International Law related to Water Sharing in Trans-boundary Rivers. *Advanced Environmental Sciences*, 14(2): 79-96 [In Persian]
8. Bozorgmehri, M., & Mohammad Khani, A., (2011). Palestinian Issue and the Security Council of UN. *Geopolitics Quarterly*, 7(4): 78-99.
9. Brooks, D. B., & Trottier, J., (2010). Transboundary Water Issues in Israel and Palestine: An Overview. *International Journal of Water Resources Development*, 26(2): 303-313.
10. El-Fadel, E., (2001). The Israeli Palestinian Mountain Aquifer: A Case Study in Ground Water Conflict Resolution. *Journal of Natural Resources and Life sciences Education*, Vol. 30:50-61.
11. European Parliament (2016). *Water in the Israeli-Palestinian conflict*.
12. Falkenmark, M., (1989). The Massive Water Scarcity Now Threatening Africa. *Ambio*, 18(2): 112-118.
13. Fall, J.J., (2009). *Drawing the Line: Nature, Hybridity, and Politics in Transboundary Spaces*. Progress in Human Geography.
14. Gleick, P.H., (1993). *Water and Conflict: Fresh Water Resources and International Security*. International Security.
15. Humna Rights Council (2021). The allocation of water resources in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Reports of the United Nations High Commissioner.
16. International Law Association Berlin Conference (2004). Berlin Rules on Water Resources.
17. Jahan, R., (1972). *Pakistan: Failure in National Integration*. Columbia University Press.
18. Kersel, M.M., (2014). Fractured oversight: The ABCs of cultural heritage in Palestine after the Oslo Accords. *Journal of Social Archaeology*, 15(1): 24-44.
19. Lonergan, J., (2004). *Connecting the West Bank and Gaza Strip: questions of safe passage*. Center for Macro Projects and Diplomacy, Roger Williams University.
20. Ministry of Local Government, (2017). *Geographical Information Management System in Palestine (GeoMOLG)*. Ramallah- Palestine.
21. Mojtahedzadeh, P., (2023). *Political Geography and Geopolitics*. SAMT Publication [In Persian]
22. Mojtahedzadeh, P., & Asgari, S., (2016). *Political Geography and Geopolitics*. Payam Noor Publication, [In Persian]
23. Mir-Heydar, D., (2002). *The Foundations of Political Geography*. SAMT Publications,

- [In Persian]
24. Palestinian Central Bureau of Statistics, (2022). Revised Estimated based on the final results of Population, Housing and Establishments Census, 2017. Ramallah – Palestine.
 25. Palestinian water authority (2016). *National Water Strategy for Palestine*.
 26. Palestine Water Report – Fanack Water (2023). *Amro Wawi, Palestine Water Report*. Published on June 5.
 27. Paskal, C., (2011). Water and Peace: The Palestinian-Israeli Water Conflict and Its Resolution. *Middle East Journal*, 65(3), 420-437.
 28. Postel, S., (1999). *Pillar of Sand: Can the Irrigation Miracle Last?* W.W. Norton & Company.
 29. Rajshekhar Patel, S., (2022). *Analysing the role of key geographic factors in Israeli - Palestinian conflict*. Master's Thesis in Geoinformatics for Urbanised Society, Department of Geography, Faculty of Science and Technology, University of Tartu.
 30. Status of the environment in the state of Palestine (2015). Applied Research Institute- Jerusalem (ARIJ).
 31. Sakwa, R., (2011). *The Crisis of Russian Democracy: The Dual State, Factionalism and the Medvedev Succession*. Cambridge University Press.
 32. Tabatabaei, A., & Mohebi Anjdani, D., (2013). International Law and the Formation of an Independent Palestinian State. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 4(11): 129-163 [In Persian]
 33. Taylor, P.J., (2004). *World City Network: A Global Urban Analysis*, Routledge.
 34. Valigholizadeh, A., (2011). The Role of Water as a Political Tool in the Zionist Regime- Palestine Conflict. *Foreign Policy Quarterly*, 25(2): 499-516 [In Persian]
 35. Veicy, H., (2015). *Concepts and Theories of Political Geography*. SAMT Publications, {In Persian}
 36. Wolf, A.T., (1998). Conflict and Cooperation along International Waterways. *Water Policy*, 1(2): 251-265.
 37. United Nations (2021). The allocation of water resources in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights.
 38. UN environment program (2024). Environmental impact of the conflict in Gaza, Preliminary assessment of environmental impacts.
 39. United Nations (2014). Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses 1997.
 40. United Nations (1980)/ The Palestine Question A Brief History
 41. UNEP, (2021). Global Environment Outlook – GEO-6: Healthy Planet, Healthy People, United Nations Environment Programme.
 42. <https://www.britannica.com/topic/two-state-solution#ref1261894>
 43. <https://www.britannica.com/topic/United-Nations-Resolution-181>
 44. <https://water.fanack.com/palestine/> Palestine Water Report, published June 5, 2023
 45. <http://www.miftah.org/Display.cfm?DocId=9055&CategoryId=4>
 46. <https://www.un.org/unispal/document/sres2735-2024-10jun24/>
 47. <https://www.usip.org/palestinian-politics-timeline-2006-election>
 48. https://www.pcbs.gov.ps/Portals/_Rainbow/Documents/water-E4-2021.html
 49. https://www.pcbs.gov.ps/Portals/_Rainbow/Documents/LUS3E.html